

ایراندوستان گرامی

چندی پیش ، با یکی از دوستان خود که یکی از کارمندان عالیرتبه بانکی در واشینگتن دی سی می باشد و به اوضاع ایران هم بسیار علاقمند است گفتگویی داشتم . ایشان بصورت غیر مستقیم ، خبر از این می داد که : بعد از تصویب مجلس آمریکا برای پرداخت چندین میلیون دلار در سال به رسانه های رادیو تلویزیونی ایرانی ، این رسانه ها بنا به وظیفه ای که به آنها داده شده است ، کم و بیش از این منبع استفاده می کنند و بنا به قراردادی که دارند ، نظراتی را در این رسانه ها منعکس می کنند که **حتما بنفع ایرانی و ایران نیست** و فقط تولید بحران و نهایتا اختلاف و جدایی می کند .

ایشان می گفت : اما موردی که بسیار قابل توجه است ، اینستکه مبالغ بسیار ناچیزی را هم به وبلاگها و افرادی که از طریق اینترنت فعال هستند می پردازند که با زیرکی و در پشت پرده ، به ایجاد چند دستگی بین ایرانیان مشغول شوند . این وبلاگها و افراد را در بین گروه های مختلف ایرانیانی انتخاب کرده اند که بیشتر آنها ، خود را یا از طرفداران و مریدان شاهنشاهان پهلوی و یا جمهوریخواهان مرید مرحوم مصدق جلوه می دهند .

البته شنیدن این خبر برایم تعجبی نداشت ولی تاییدی بود . تجربه چندین ساله ، نسبتا به همگی ما ثابت کرده است که نتیجه این کار چه بوده است و چگونه این وبلاگها و اشخاصی که خود را مرید و متعصب به هر دو گروه می دانند ، تا بحال چگونه باعث جر و بحث های مختلفی شده اند که بازدارنده ی پیشرفت سریع ایراندوستان ، از رسیدن به هدفی مشترک شده است .

تا آنجا که حتا سیاسی ترین و یا باهوشترین فعالین ضد جمهوری اسلامی را هم ، بدفاعات بدام کشیدند ، چه رسد به کودنی مانند بنده که سعی می کند بی طرف باشد و کوشش دارد دید همگان را بر روی یک **جایزه ی نهایی** بکشد ، و آن بیرون راندن استعمار، از کشورهای بی **فرهنگ جاری زمان** است .

این موضوع بنده را ب فکر انداخت که بدانم استعمار نوینی که فعلا در جهان حکومت می کند ، بعد از نسبتا پنج سده ، تکامل خود را از کجا پیدا کرده است و چرا تا بحال جهت آن فقط **بالا رونده** بوده است ؟

جستجو و پی گیری های بعدی ، نشان داد که در حالیکه مردم جهان (**بخصوص عقب افتاده های فکری مانند بنده**) در تکامل کند خود بوده اند ، ازما بهتران به علوم مختلف روی آورده اند و آنرا ابزاری برای پیشرفت سریع استعماری خود قرار داده اند .

مهمترین علمیکه در دوسده گذشته از آن بهره گرفته اند ، علم روانکاوی **بنی آدم** بوده است و به استخدام گرفتن دانشمندان محتاج ویا سود جوین فرصت طلب .

با مدارکی مستندی که از سوی یک همفکر، استاد دانشگاه و علاقمند به فرگشت فکری انسانی (ایبولوشن فکری) وازیکی ازبزرگترین کتابخانه های موجود، بدستم رسید ، درتاریخ معاصر علمی و در تمام وقایع و اوضاع کنونی جهان ، رد پای دو دانشمند (زیگموند فروید و دختر او آنا فروید) و یکی از اقوام سود جو و فرصت طلب آنها (ادوارد برنیز، خواهر زاده ی فروید) بچشم می خورد .

بنا به عقیده شدیدی که در مورد پیدا کردن علل وقوع ، و نه فقط واقعه دارم ، بدنبال تحقیقات بیشتری رفتم که نتیجه آن را در چند قسمت که در حوصله ی خواننده باشد ، توضیح خواهم داد .

در این توضیحات مستند ، خواهید دید که از ما بهتران و استعمار ، از هر گونه تئوری که برایشان کارساز بوده است ، بمراتب و با همان شکل اولیه استفاده کرده اند و بقیه ما هم در خواب بوده ایم ، و در سده گذشته ، بندرت پیش آمده است که شکل آن را عوض کرده و بنوعی دیگر آنرا بخورد ما داده باشند .

این نوشتار بصورت خام بدست شما خواهد رسید و فعلا فرصتی برای ادیت آن ندارم و **از دوستانی که مایل به دریافت اینگونه مطالب نیستند ، تقاضا دارم خجالت و خوبی بیش از حد را بکناری گذاشته ، بنده را آگاه کنند تا مزاحمتی برایشان فراهم نشده باشد .**

دوستدار ایرانی دوستان علی